


Limpeza

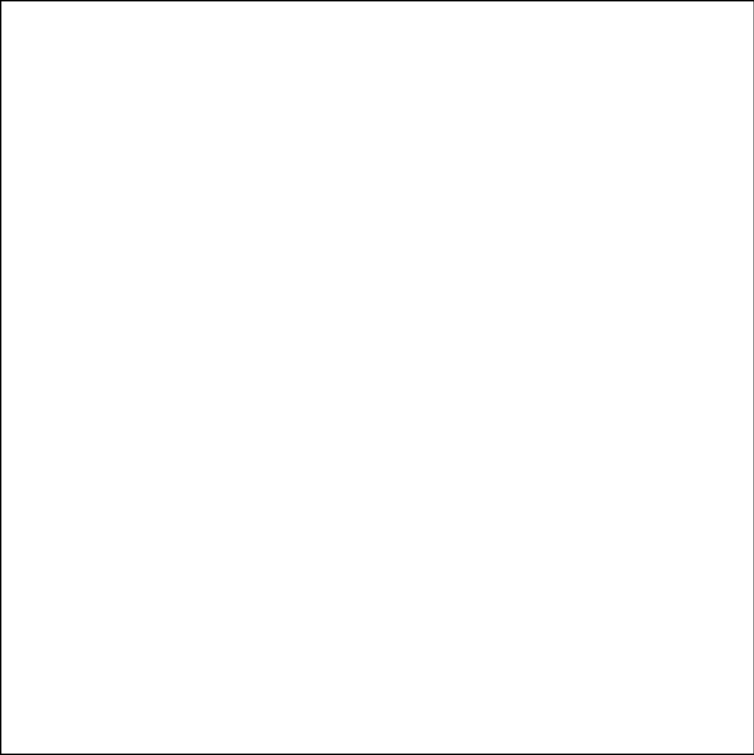
 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 2

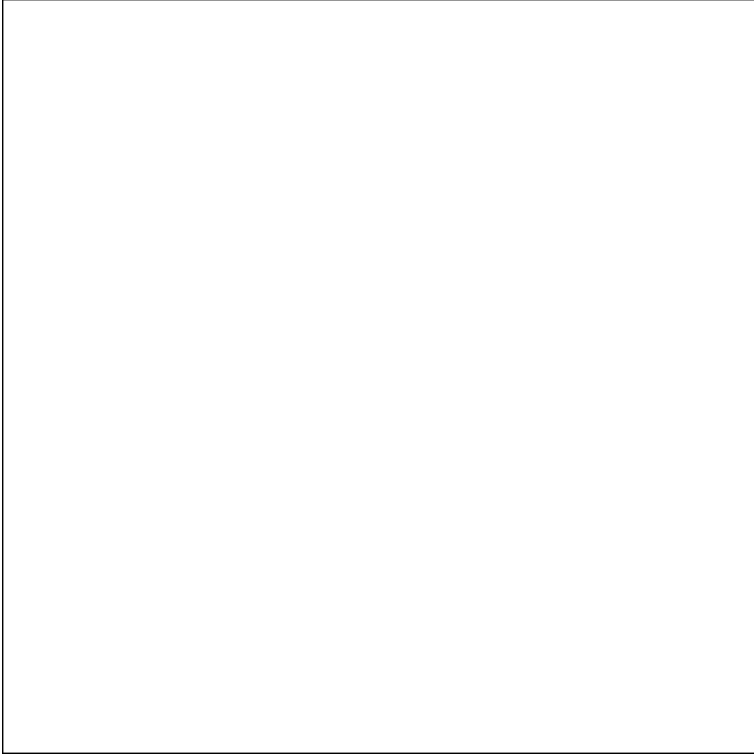
 دری `prs` / português `pt`



اول، اوڊتوسط چرو فرش را هف مي ڪند.

...

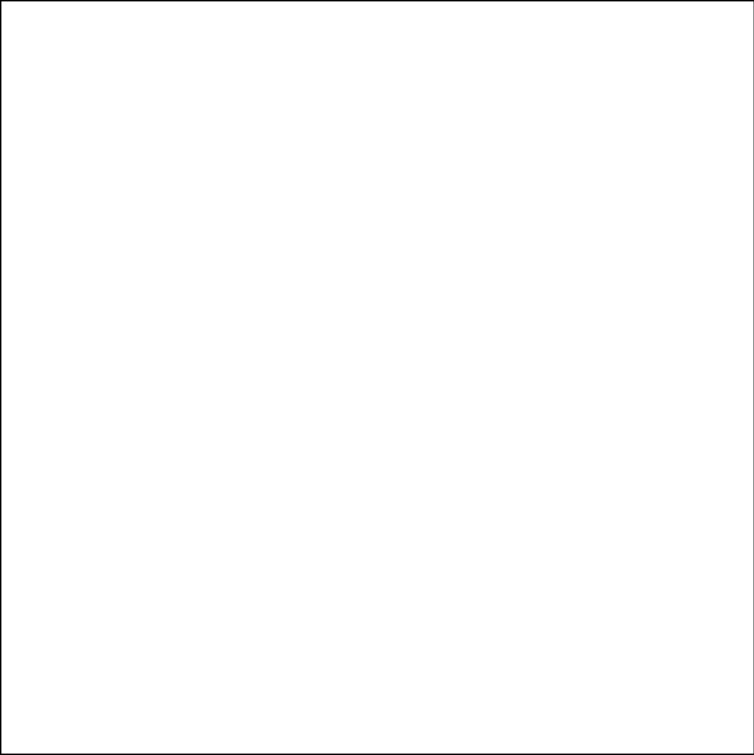
Primeiro, ele limpa o chão com uma vassoura.



بعد از آن او به جرو برقی جرو می کند. جرو برقی خوب گر می کند.

...

Depois aspira. O aspirador funciona bem.



بعد از آن او یک سطل آب و یک هافي را بـ خود می گیرد.

...

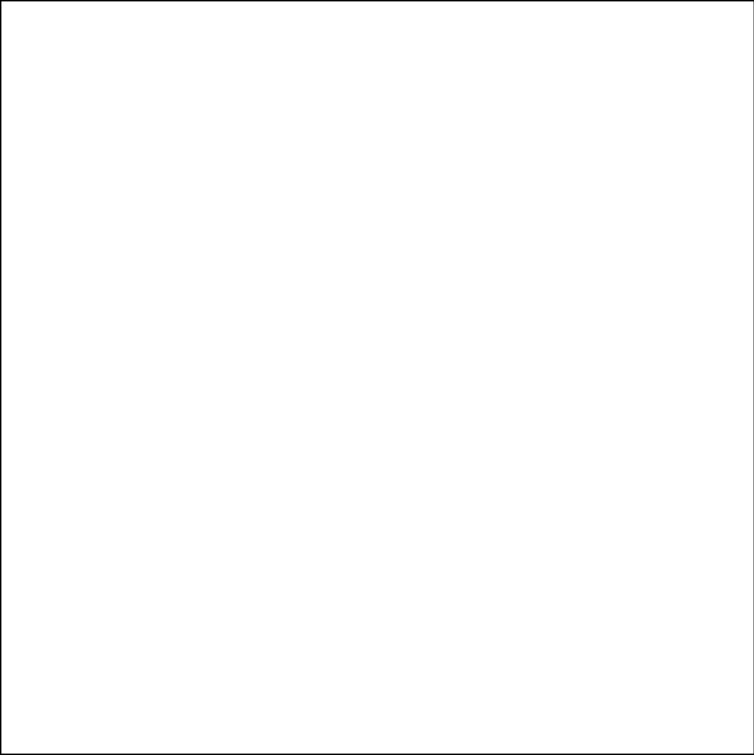
Depois vai buscar um balde com água e uma esfregona.



او فرش را هف می کند.

...

Ele limpa o chão.



او کلافت دانی را خلی می کند و یک خلطه نو در آن می اندازد.

...

Esvazia o caixote do lixo e coloca um novo
saco.



او کثافت را بیرون می کند.

...

Ele leva o lixo para fora.



او به دستکش، سفنج و جھيع شستن نيز دارد.

...

Ele precisa de luvas, uma esponja, e de um produto de limpeza.

او به جی چتل در فرش ب توسط اسفنج و هبع شستن پک گری
می کند.

...

Ele esfrega uma mancha suja no chão com a
esponja e uma parte do produto de limpeza.



بعد از آن او پنجره را هف می کند.

...

Depois ele lava a janela.



لاق نشستن او بسیار نامنظم است.

...

A sua sala de estar está muito desarrumada.



او اھق راڀک می کند. ځلا لاق ھف وڀک است.

...

Ele arruma-a. Agora está agradável e limpa.



LIDA Stories


lidastories.net

صاف کردن

Limpeza

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Shir Ahmad Laiwal (prs), Marta Pinto (pt)

